

گفت و گوی صبا با عوامل فیلم زندگی شیرین

نوستالژی دهه شصتی

با طعم گس جنگ

گروه هنر و تجربه این بار میزبان فیلمی از دیار اصفهان با همان

مریم عظیمی
گفت و گو

چاشنی آشنا و شیرین فرهنگی آن است که حتی تلخی جنگ را هم تحت الشعاع انرژی زندگی موجود در خود قرار می‌دهد. مجتبی اسپنانی به عنوان نویسنده و کارگردان به همراه بازیگرانی مانند شهره موسوی، ایمان نظیفی، نازنین علینقیان، امیرعلی مرادمنند و... فیلمی را که یادآور روزهای تلخ و شیرین دهه شصت است به سینماهای هنر و تجربه آورده. در ادامه گفتگوی خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

شخصی خود فیلم بسازید و وارد معادلات حرفه‌ای سینما شوید مانند یک مگس فرسنگ‌ها دورتر پرتان می‌کنند و اصلاً هم شوخی ندارند. نمی‌توانید وارد معادلات سینمای حرفه‌ای بشوید، آنچنان فضای مخوفی دارد که اصلاً بازیر ۳۰ میلیارد سرمایه تولید وارد این جوشدن شوخی است. در این فضا و اتمسفر فیلم زندگی شیرین را کار و اکران کردن محض دلخوشی است. به قول شاعر که گفت دلم خوش است که نامم کبوتر حرم است و ما هم دلمان خوش است که فیلم می‌سازیم و عده‌ای آن را می‌بینند و فرصتی پیش می‌آید در این گپ و گفت‌ها که حرف دلمان را بزنیم.

بر این اساس تهیه فیلم زندگی شیرین چگونه بود؟

شهرداری اصفهان سال ۹۹ فراخوانی داد که از فیلم‌های کوتاه تا ۳۰ میلیون و از فیلم‌های بلند هم تا سقف ۱۵۰ میلیون حمایت می‌کند، که خب ۱۵۰ میلیون در همان سال هم هزینه تولید یک فیلم کوتاه بود. من نسخه اولیه فیلمنامه را ارائه دادم و نسخه اولیه تغییراتی کرد. بعد آقای مجید صدیق که من دو فیلم قبلی‌ام را هم با ایشان کار کرده بودم به عنوان تهیه‌کننده کار را دست گرفتند و چون کارت‌شان هم صادر شده بود باید می‌توانستند تهیه‌کننده من شوند ولی از طنزهای تلخ روزگار است که بگویم من در ۴۴ سالگی با دو فیلم اکران شده در بخش هنر و تجربه باید پرونده بستم به سازمان سینمایی تا مرا برای فیلم سازی تأیید صلاحیت کنند، بعد وقتی می‌گویند من کار کرده‌ام می‌گویند آنچه تو کار کرده‌ای ویدیویی بوده و اینکه می‌خواهی کار کنی سینمایی است در حالی که هیچ

متأسفانه برای ان سینمایی نمانده رسماً سینما در دست یک عده قلیل بساز و بفروش یا بهتر بگویم بساز و بنداز است، تعدادی بازیگر ثابت دارند که با هزینه‌های میلیاردی از فیلمی به فیلم دیگری می‌روند و سینماها را در اختیار گرفته‌اند. در همین اصفهان که شهر خود من است و فیلم هم در مورد اصفهان است، داستانش در اصفهان می‌گذرد حتی همه عوامل تقریباً اصفهانی هستند وقتی به سینما می‌گویم که سانس هر روزه به من بدهید (چون بخش هنر و تجربه فقط چهارشنبه‌ها اکران دارد) و قبول می‌کنند که سانس ساعت ۶ را به من بدهند و بعد از فقط ۳ روز سانس ساعت ۴ را به من می‌دهند و وقتی اعتراض می‌کنم می‌گویند همین هم که در اختیارت گذاشته‌ایم می‌توانستیم نگذاریم و لطف کرده‌ایم دیگر جای سخنی باقی نمی‌ماند. مخاطب عام هم که می‌آید می‌خواهد روی پرده ستاره‌ها را ببیند. بماند که فضای تبلیغاتی هم به فیلم‌هایی مثل فیلم ما اختصاص داده نمی‌شود. به نظرم فیلمسازی در این مملکت اگر از دو مسیر نرود شوخی بیش نیست، یک اینکه از همان ابتدا شما یک تهیه‌کننده قدر تجاری داشته باشید که با بخش‌کننده دستشان در دست هم باشد و یا خود بخش‌کننده هم بخشی از سرمایه‌گذاران باشد و با ۲۰-۳۰ میلیارد و بازیگران ستاره فیلمی بسازید که اکران تضمین شده باشد و بتوانید بفروشید و ۲۰ میلیاردتان را تبدیل به ۱۰۰ میلیارد کنی، یا اینکه هزینه دولتی بگیرید و نگران بازگشت سرمایه نباشید. مثلاً اگرانی ۱۵ میلیارد به شما بدهد و یک فیلم سفارشی بسازید، ولی اگر بخواهید با هزینه

مجتبی اسپنانی:

نمی‌توان وارد معادلات سینمای حرفه‌ای شد

از سوابق سینمایی تان بگویید.

من در زمینه سینما تحصیلاتی ندارم، چند فیلم کوتاه ساختم و دو فیلم قبلی‌ام به نام‌های «جوجه‌ها آخر پاییز جیغ می‌کشند» ساخت سال ۹۷ و «تو مشغول مردنت بودی» تولید سال ۹۸ که بلافاصله پس از رونمایی‌اش کرونا آغاز شد در بخش هنر و تجربه اکران شده‌اند و این اثر فیلم سومم است که در حال حاضر اکران می‌شود. این سه فیلم تفاوت‌های زیادی با هم دارند مثلاً فیلم اولم نسبتاً فضای ابزوردی داشت و فیلم دوم فضایی جدی‌تر، «زندگی شیرین» هم که حال و هوای متفاوت و خاص خودش را دارد. «زندگی شیرین» برایم یک فیلم شخصی نیست ولی حس و حال و هوایش را دوست دارم.

ساخت این فیلم از چه سالی آغاز شد و چقدر طول کشید؟

ما فروردین ۱۴۰۰ فیلمبرداری‌ها را انجام دادیم ولی مرحله پسا تولیدش به دلیل مسائل مالی تا سال ۱۴۰۱ طول کشید، در آن زمان بخش هنر تجربه هم دچار مسائلی شده بود تا اینکه در اردیبهشت ۱۴۰۱ دوباره شروع به فعالیت کرد و تیر ماه همان سال که پروانه نمایش فیلم صادر شد ما توانستیم اکران بگیریم. تلاش‌هایی هم کردیم برای اینکه بتوانیم برای فیلم پروانه نمایش سینمایی بگیریم که متوجه شدیم کاری از پیش نخواهیم برد.